

زبان عیلامی

Margaret Khačikjan, *The Elamite Language*. Documenta Asiana Vol. IV. Rome: Instituto per gli studi Micenei ed Egeo-Anatolici, 1998. x + 100 pp. ISBN 88-87345-01-5.

زبان عیلامی یکی از سه زبان ناوابسته خاور نزدیک باستان است. منظور از ناوابسته زبانی است که به هیچیک از خانواده‌های بزرگ زبانی وابسته نیست. دیگر زبانهای خاور نزدیک باستان به یکی از دو خانواده بزرگ زبانهای سامی و هند و اروپایی وابسته‌اند. دیگر زبانهای ناوابسته خاور نزدیک سومری و حوری است. این سه زبانهای مردم بومی قسمتهای مختلف خاور نزدیک پیش از آمدن مردمان جدید بوده است: عیلامی در جنوب و جنوب غربی ایران، سومری در جنوب بین‌النهرین و حوری در شمال شرقی بین‌النهرین، جنوب شرقی آناتولی و جنوب غربی دریاچه ارومیه. مطالعات زبان شناختی حاکی از آن است که زبان عیلامی از قرار معلوم با خانواده زبانهای دراویدی هند قرابتی داشته است (مک آلپین ۱۹۸۱) و حتی چنین ادعا شده که خط تصویری تمدن دره سند از نگاره‌های آغاز عیلامی برگرفته شده است (گلب ۱۹۶۳).

زبان عیلامی از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. نخستین نشانه‌های مکتوب این زبان از حدود ۳۲۰۰ تا ۲۸۰۰ ق م به شکل نگاره‌های آغاز عیلامی بر روی گل‌نبشته‌هایی از چند محوطه باستانی از ایران چون ملیان در فارس، تپه سیلک کاشان، تپه یحیی کرمان، تل قصر در دشت رامهرمز، شهر سوخته در سیستان، شوش، و احتمالاً تپه حصار دامغان به دست آمده است. پس از وقفه‌ای چند صدساله، شکل ساده‌تری از این نگاره موسوم به عیلامی خطی رواج می‌یابد که بیشتر نمونه‌های آن به زمان فرمانروایی پوزور این‌شوشیناک، آخرین فرمانروای سلسله آوان، در حدود ۲۱۰۰ ق م تاریخگذاری شده است. معدود نمونه‌های عیلامی خطی بر روی اشیای نذری و تشریفاتی از شوش و یک نمونه بر روی جامی نقره‌ای احتمالاً از مردودشت به دست آمده است.

نگاره‌های منقور بر روی ظروف سفالی شهداد نیز احتمالاً به این خط مربوط می‌شود. اندکی پیش از آن، در حدود قرن بیست و چهارم ق م، به نظر می‌رسد که عیلامیهای مقیم شوش خط میخی را برای نگارش زبان خود اقتباس کرده بودند و در واقع معاهده‌ای به زبان عیلامی قدیم به دست آمده که تاریخ آن به زمان نرام‌سین (حدود ۲۳۰۰ ق م) می‌رسد. پس از وقفه‌ای دیگر، گروهی دیگر از متون عیلامی قدیم ظاهر می‌شود که به دوره سلسله‌های شیماشکی و سوکل‌مخ (قرن هیجدهم تا شانزدهم ق م) تاریخگذاری شده‌اند. بیشترین مجموعه متون عیلامی به دوره عیلام میانی (قرون سیزدهم و دوازدهم ق م) مربوط می‌شود. پس از آن، از قرن نهم تا اوایل قرن ششم ق م باز شاهد مجموعه متون دیگری هستیم که روی هم رفته عیلامی نو خوانده می‌شود. عیلامی یکی از زبانهای شاهنشاهی هخامنشی بود و هزاران گل‌نشته از بارو و خزانه تخت جمشید به این زبان نگاشته شده‌اند. آخرین متن به زبان عیلامی در سال ۴۶۱ ق م نگاشته شده، اما به نظر می‌رسد که این زبان همچنان به صورت شفاهی در جنوب غربی ایران ادامه یافت. در واقع، بنا به گفته اصطخری در قرن چهارم هجری/دهم میلادی در خوزستان هنوز مردمی بودند که به زبانی غیرفارسی و غیر عربی موسوم به خوزی تکلم می‌کردند که احتمالاً شکلی متأخر از عیلامی بوده است.

قلت منابع، پراکندگی زمانی، و ساختار دستوری خاص موجب شده است که اطلاعات ما درباره زبان عیلامی و تاریخ و سیر تطور آن بسیار محدود باشد. پس از بنیانگذاران زبان‌شناسی عیلامی، به‌ویژه ونسان شیل، و نسل بعدی محققان چون فردریش کونینگ، جرج کامرون، ریچارد هلک، پیپر، رنه لایا، والتر هینتس، موریس لامبر، ژان-ماری استو، ایگور دیاکونف و اریکا راینر^۱ و با اینکه انتشار واژه‌نامه عیلامی (هینتس و کخ ۱۹۸۷) در سال ۱۹۸۷ روحی تازه به کالبد این شاخه از زبان‌شناسی خاور نزدیک دمید، در سالهای اخیر فقط عده انگشت‌شماری از زبان‌شناسان همچنان به مطالعه زبان عیلامی همت‌گمارده‌اند. این گروه شامل فرانسوا والا، فرانسوا مالبران-لایا، و فرانسوا زگریو-سوزینی در فرانسه، متیو استلبر در آمریکا، عبدالمجید ارفعی در ایران و چند محقق در دیگر کشورهاست. نویسنده کتاب حاضر، خانم مارگارت خاچیکیان جدیدترین عضو محفل کوچک عیلام‌شناسان است. وی زبانهای خاور نزدیک باستان، از جمله عیلامی، را نزد ایگور دیاکونف فراگرفته و اکنون در آکادمی علوم ارمنستان در ایروان مشغول به کار است.

۱. دانش‌نسل‌های اول و دوم زبان‌شناسان عیلام در مقاله زیر جمع‌بندی شده است:

E.Reiner, 1969. "The Elamite Language", *Handbuch der Orientalistik I/II/1/2/2*. Leiden & Cologne, 54-118.

مقدمه کتاب مروری اجمالی به تاریخ زبان عیلامی و مطالعات عیلام‌شناسی است. فصل یکم با بررسی مصوتها (واکه‌ها)، صامتها (همخوانها)، واکه‌های مرکب، وزن‌شناسی و هجاها به واج‌شناسی زبان عیلامی می‌پردازد. فصل دوم ساختار واژگان و فصل سوم بودگزارها را بررسی می‌کند. فصل چهارم نحوه تشکیل صفات را مطالعه و صفتها را مقایسه می‌کند. فصل پنجم به اعداد می‌پردازد. فصل ششم انواع ضمایر را مطالعه می‌کند. فصل هفتم به فعل می‌پردازد و زمانهای مختلف را بررسی می‌کند. فصل هشتم قیدها و فصل نهم حروف اضافه و حروف اضافه پسین را مطالعه می‌کند. فصل دهم به پیشوندها و پسوندها می‌پردازد. فصل یازدهم حروف ربط و اصوات را مرور می‌کند. و در نهایت، فصل دوازدهم به نحو زبان عیلامی می‌پردازد.

برخلاف دو کتاب دیگر درباره زبان عیلامی که در سالهای اخیر منتشر شده‌اند و به موضوعات فنی چون ساختار دستوری و صرف و نحو و شیوه نگارش زبان عیلامی می‌پردازند (گریو-سوزینی ۱۹۸۷؛ استو ۱۹۹۲) نویسنده در کتاب حاضر تلاش می‌کند تا مبانی دستور زبان عیلامی را توضیح دهد. از این نظر کتاب موفق است و آنچه را که درباره زبان عیلامی می‌دانیم، ولو اندک، در اختیار خوانندگان می‌نهد، اما نحوه ارجاع به منابع کمی گنگ و گیج‌کننده است. ارائه مثالهایی چند نیز می‌توانست خواننده ناآشنا را بهتر با مطالب آشنا کند و قدری از خشکی کتاب بکاهد. در مجموع باید گفت که کتاب مفید است و می‌تواند برای دانشجویان و دیگر علاقه‌مندان به آشنایی با زبان عیلامی مفید افتد.

کامیار عبدی

کتابنامه

- Crillot-Susini, F., avec la collaboration de Claude Roche, 1987. *Éléments de grammaire élamite*. Paris.
- Gelb, Ignace, 1963. *A Study of Writing*. Chicago.
- Hinz, W. & H. Koch, 1987. *Elamisches Wörterbuch*. AMI Ergänzungsband 17. Berlin.
- McAlpin, D.W., 1981. *Proto-Elamo-Dravidian: Evidence and its Implications*. Transactions of the American Philosophical Society, Vol. 71, Pt. 3. Philadelphia.
- Stève, M. -J., 1992. *Syllabaire élamite: Histoire et paléographie*. Neuchâtel-Paris.